

تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادهای

مسعود مطلبی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر (نویسنده مسئول)

حسن آرایش^۲

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

سید رضا رحیمی عماد^۳

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

چکیده

با وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، تحولات شگرفی در حوزه روابط بین الملل روی داد و تروریسم به دغدغه‌ای جهانی تبدیل شد. این رویداد که توسط سازمان القاعده روی داد، تروریسم را با مذهب به خصوص اسلام پیوند داد و بنیادگرایان اسلامی رادیکال با آراء و عملکردهایشان مروج تروریسم مذهبی شدند. در این خصوص، مهم‌ترین چهره فکری سید قطب بود که تأثیرات مستقیمی بر عملکردها و دیدگاه‌های سازمان القاعده ایفا نمود. این امر باعث شد تا غرب و در رأس آن آمریکا با یک سوء تعبیر و در یک دیدگاه کلی آموزه‌های اسلام را مروج تروریسم مذهبی معرفی نمایند. شیعه نیز به عنوان یکی از شاخه‌های اسلام، متهم به ترویج آموزه‌های تروریسم مذهبی شد. در این مقاله ضمن بررسی آموزه‌ها و دیدگاه‌های بنیادگرایان اسلامی رادیکال و سازمان القاعده که باعث شکل‌گیری دیدگاه منفی غرب نسبت به آموزه‌های اسلام شده است، دیدگاه فقه سیاسی شیعه در ارتباط با تروریسم مذهبی بررسی می‌شود. بدین جهت دغدغه اصلی این مقاله که با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به تروریسم مذهبی دارد؟ و آیا آموزه‌های فقه سیاسی شیعه اصول تروریسم مذهبی را مورد تأیید قرار می‌دهد؟ فرضیه این مقاله بر این مبنا است که در آموزه‌های فقه سیاسی شیعه اصولی وجود دارد که شاخص‌های تروریسم مذهبی را رد و غیر مشروع اعلام می‌کند. همچنین در دوران معاصر شاهد گسترش عملیات‌های استشهادی از سوی مسلمانان می‌باشیم که بررسی دیدگاه فقه سیاسی شیعه در این مورد حساس می‌باشد، چرا که دیدگاه‌های غربی این عمل را مصداق عملیات انتحاری و تروریسم قلمداد می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تروریسم مذهبی، بنیادگرایی مذهبی رادیکال، سید قطب، القاعده، فقه سیاسی شیعه، عملیات استشهادی.

1.Mmtp2006@yahoo.com

2.arayeshhasan@yahoo.com

3.emadreza65@gmail.com



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های پای پای جهان اسلام

۱. بیان مسأله

تروریسم مفهومی کهن در ادبیات سیاسی محسوب می‌شود. این مفهوم گرچه قدمت طولانی دارد اما در دهه اول قرن بیست و یکم اهمیت جهانی یافت. در سال ۲۰۰۱ عده‌ای از تروریست‌های وابسته به گروه القاعده حادثه تاریخی ۱۱ سپتامبر را رقم زدند. از این زمان به بعد تروریسم با مذهب پیوند عمیقی یافت و گروه‌های اسلامی، از سوی افکار عمومی جهانی که عمدتاً از رسانه‌های غربی سیراب می‌شدند، به عنوان تروریست شناخته شدند. رسانه‌های غربی با سوءاستفاده از این موضوع اسلام را به طور کلی متهم به ترویج آموزه‌های تروریستی نمودند. در حالی که القاعده تنها به گروهی از بنیادگرایان اسلامی رادیکال تعلق خاطر دارد. بدین صورت تروریسم مذهبی، که یکی از زیر شاخه‌های تروریسم است بعدی جهانی به خود گرفت. تروریست‌های مذهبی اعمال خود را با اصول مذهبی توجیه می‌نمایند. بنیادگرایان اسلامی رادیکال با دیدی قشری و تفسیری ظاهری از آموزه‌های اسلامی نظیر جهاد، دارالاسلام و دارالحرب رسالت خود را نابودی کفار و برپایی حکومت اسلامی معرفی نمودند (نبوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵-۱). اینان حتی حکومت‌های اسلامی موجود را نیز در عداد جوامع جاهلی معرفی نمودند که باید حذف می‌شدند. بنیادگرایی اسلامی رادیکال ملهم از اندیشه‌ها و آراء کسانی چون ابن تیمیه، ابن حزم، مودودی و رشید رضا بود. اما مهم‌ترین شخصی که نظریاتش پایه‌گذار گروه‌های اسلامی رادیکال در دوران معاصر بود بی شک سید قطب بود. وی تأثیر مستقیمی بر رهبران القاعده، بن لادن و ایمن الظواهری گذاشت. این عده با اقداماتشان نه تنها خود بلکه کلیت جهان اسلام را نیز در معرض اتهام رواج تروریست قرار دادند (آدمی و مرادی، ۱۳۹۴: ۳۵-۲۹). شیعه نیز به عنوان شاخه‌ای از دین اسلام از این اتهامات مبرا نبوده است. به راستی فقه سیاسی شیعه چه پاسخی برای این اتهامات دارد؟ سؤال اصلی این مقاله این است که آیا فقه سیاسی شیعه اصول تروریسم مذهبی را مشروع می‌داند؟ فرضیه این تحقیق بر این مبنا است که در فقه سیاسی شیعه اصولی وجود دارد که تروریسم مذهبی را رد و غیرمشروع اعلام می‌کند. از این رو فقه سیاسی شیعه نه تنها به ترویج آموزه‌های تروریستی نمی‌پردازد بلکه با تأکید بر مواردی نظیر صلح طلبی، امان و قوانین عادلانه جنگی به مقابله با تروریسم می‌پردازد. از این رو فقه سیاسی شیعه در مقابل بنیادگرایان اسلامی رادیکال قرار می‌گیرد. با نگاه به مسائل جاری مربوط به مناقشه اسرائیل و فلسطین



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۲۰

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

ابهامی در این فرضیه ایجاد می‌شود. مبارزان فلسطینی گاه با انجام عملیات‌های استشهادی به مقابله با رژیم اشغالگر قدس می‌پردازند اما این حرکت از دیدگاه رسانه‌های غربی به عنوان عملیات انتحاری که یکی از مصادیق تروریسم، می‌باشد تعبیر می‌شود. سوالی که طرح می‌شود این است که دیدگاه فقه سیاسی شیعه در خصوص عملیات استشهادی چیست؟ آیا این عملیات مجوز شرعی لازم در فقه سیاسی شیعه، را دارا می‌باشد و یا به عنوان عملیات انتحاری جزئی از تروریسم محسوب می‌شود؟

۲. ادبیات نظری

۲-۱. تعریف و چیستی تروریسم

تروریسم پدیده تازه‌ای نیست. شاید بتوان قدمت آن را به آغاز حیات بشر رسانید. یک مشکل مهم در زمینه تروریسم، نبود تعریفی واحد از آن است که مورد پذیرش همگان باشد. تروریسم پدیده‌ای پیچیده و متنوع است و نمی‌توان علل و ریشه‌های آن را در یک حوزه بخصوص مورد توجه قرار داد. در فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های بین‌المللی تعاریف مختلفی از تروریسم ارائه شده است که دارای شباهت‌های زیادی با هم می‌باشد. تاکنون هیچ تعریف رسمی و سیاسی و یا جهانی پذیرفته شده از تروریسم ارائه نشده است.

ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی به کلمه *tras* به معنی ترس و لرز و ترساندن برمی‌گردد. ترور و تروریسم روشی است که هم حکومت‌ها و هم گروه‌های سیاسی مخالف حکومت برای هراس افکنی و ترساندن طرف مقابل، از طریق دست زدن به اعمال خشونت آمیز به کار می‌گیرند (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳۲). ترور در لغت و در زبان فرانسه به معنای هراس و هراس افکنی است. همچنین کردار گروه‌های مبارزاتی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دست به کارهای خشونت آمیز و هراس آمیز می‌زنند ترور نامیده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۹: ۹۸). واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۳۵). در لغت‌نامه دهخدا تروریسم واژه‌ای غربی است به معنای قتل سیاسی، همچنین دهخدا در تعریف تروریسم گفته است: «اصل حکومت وحشت و فشار» (دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۳۶). تروریسم به معنی کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد



برای دستیابی به یک هدف سیاسی است (طیب، ۱۳۸۰: ۵۶). فرهنگ روابط بین‌الملل در تعریف تروریسم بیان می‌کند: تروریسم فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی که برای دستیابی به اهداف سیاسی از روشها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند (Plane, 1988: 201). تروریسم اقدامی سازمان یافته و متضمن خشونت که با حمله غیر قابل پیش‌بینی علیه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها عملی می‌شود (امین زاده، ۱۳۸۰: ۸۴). بر اساس تعریفی که از تروریسم در المعجم الوسیط، ارائه شده است، تروریست‌ها کسانی هستند که از طریق خشونت سعی در تحقق اهداف سیاسی‌شان دارند (انیس، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۷۶). نوام چامسکی در تعریف تروریسم بر آن است که تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قرار دادن مردم غیر نظامی در تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است (هادویان، ۱۳۸۲: ۳۳). تروریسم استفاده از خشونت غیرقانونی و یا تهدید به خشونت غیرقانونی از طریق ایجاد ترس و ارباب دولتها و جوامع برای دستیابی به اهدافی که به طور کلی سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک هستند (Morris, 2005: 15). هدف اصلی تروریسم ایجاد اندازه‌ای از ناامنی در جامعه از طریق تخریب بنیادهای امنیت عمومی است (Rene Beres, 1971). با توجه به تعاریف مختلف و مهمی که در بالا ذکر شد می‌توان شاخص‌های مهمی را برای تروریسم ذکر نمود، از جمله: به کارگیری ابزارهای خشونت‌آمیز و ایجاد وحشت از طریق غیرقانونی، رسیدن به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک، غیر قابل پیش‌بینی بودن حملات، تکرار عمل، اقدام سازمان‌یافته، تلاش برای عمومی کردن ترس و وحشت و کشتار افراد بی‌گناه برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی.

۲-۲. عناصر تروریسم

چنانچه مشاهده شد تعاریف مختلف و متفاوتی از تروریسم وجود دارد که در این مقاله تنها به گوشه‌ای از آنها پرداخته شد. برای روشن شدن تروریسم باید به عناصر مشترک در مفهوم آن توجه نمود. از عناصر تروریسم داشتن انگیزه سیاسی، هدف قرار دادن کسانی که قدرت دفاع از خود را ندارند و مخفی بودن فعالیت‌ها می‌باشد (سروش نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۱). بنابراین عناصر تشکیل دهنده یک ترور عبارت است از استفاده نمودن از ابزارها و روش‌های خشونت‌آمیز، ارتکاب ترور توسط گروه‌های سازمان یافته، ایجاد رعب و وحشت برای عموم افراد یک جامعه و دنبال کردن یک هدف سیاسی. در یک تقسیم‌بندی می‌توان از

موارد زیر به عنوان عناصر تشکیل دهنده پدیده تروریسم یاد نمود:

(الف) عمده‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد؛
(ب) انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌های اقدامات تروریستی است؛

(ج) هدف تروریسم ایجاد وحشت و ترس در جامعه است؛

(د) انگیزه تروریست‌ها سیاسی و مذهبی و کسب منافع شخصی یا گروهی است؛

(ه) غیرقانونی بودن از ویژگی‌های مهم تروریسم است.

۳-۲. تروریسم مذهبی

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان تروریسم را به سیاسی و غیرسیاسی تقسیم کرد. در تروریسم غیر سیاسی اهداف و نیات، سیاسی نیست در نتیجه شعاع آن محدود و در حوزه فردی قابل بررسی است. تروریسم غیر سیاسی دو شکل عمده دارد: تروریسم روانی و تروریسم جنایی. قسم دوم، تروریسم سیاسی است، که در پی تغییر و تحول در جامعه و تحقق بخشیدن به آرمان‌های سیاسی، اجتماعی و یا گروهی خود است. یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم سیاسی، تروریسم مذهبی می‌باشد. این نوع تروریسم با دیدگاه ادیان الهی در ارتباط است. در این قسم گروه‌های دینی اعمال تروریستی را با اصول مذهبی خود توجیه می‌کنند و با آوردن دلایل و شواهدی ظاهری از دین اعمال خود را الهی جلوه می‌دهند.

تروریسم مذهبی متفاوت از دیگر اشکال تروریسم است بروس هافمن معتقد است که انگیزه تروریسم مذهبی از انجام خشونت به عنوان یک وظیفه الهی و مذهبی در نظر گرفته می‌شود و آن توجیهی برای مشروعیت اقدامات آنهاست (Sparago, 2007: 3-4). تروریسم مذهبی با به کارگیری خشونت می‌کوشد تا به اهداف مقدس، متعالی و مذهبی خود که از سوی خداوند و یا مذهب تعیین شده است، دست یابد. این نوع تروریسم گستره وسیعی از انواع دشمنان را به منظور محو همه پلیدی‌ها معرفی می‌کند. تروریسم مذهبی از ایمان، عهد و مذهب سرچشمه می‌گیرد.

موجی از خشونت که توسط تروریسم مذهبی به راه افتاده است، نه تنها از طریق دامنه و اهدافش، بلکه به خاطر ویژگی‌های متمایز و مرگ‌آورش، بی‌سابقه است. همه کسانی که دست به تروریسم مذهبی می‌زنند، معتقدند که اعمال آن‌ها از طرف خداوند مقدس



شمرده می‌شود (مهدی بخشی، ۱۳۸۷: ۲۰۴). «براساس آمار نزدیک به نیمی از تروریست‌های فعال بین‌المللی که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ میلادی شناسایی شدند، مذهبی بودند». تروریست‌های مذهبی به هیچ وجه، نگران بعد اخلاقی و یا ضد اخلاقی بودن عمل خود نیستند، زیرا که معتقدند هر عمل شرعی، فی‌الذاته اخلاقی است. حتی اگر همه دنیا آن‌ها را محکوم کند، این محکومیت برای آن‌ها دارای اجر الهی است. فلسفه تروریسم مذهبی مبارزه بی‌امان بین کفر و ایمان است؛ مبارزه‌ای که در پایان به شکست کفر و پیروزی مومنان ختم می‌شود. اما هریک از مذاهب، قرائت خاص خود را از کفار و مشرکین دارند (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۸۰-۷۹). روشی که تروریست‌های مذهبی استفاده می‌کنند، ویژگی‌های خاصی دارد. جنگ‌های غیرعادی، غیرمتعارف و غیرمتمرکز از جمله این ویژگی‌هاست. یکی از عوامل ایجاد تروریست‌های مذهبی عرفی شدن جوامع است. در این راستا اکثر گروه‌های تروریستی، نام‌های مذهبی برای خود انتخاب می‌کنند (مهدی بخشی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). بنابراین نگرش جزم اندیشانه به مذهب آن‌ها را به خطرناک‌ترین نوع تروریست‌ها بدل می‌کند. تروریسم مذهبی خود به سه نوع مهم قابل تقسیم می‌باشد، مسیحی، یهودی و اسلامی، اما امروزه و بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تروریسم اسلامی در مرکز توجهات قرار گرفته شده است. بر اساس تروریسم مذهبی اسلامی که توسط گروه‌های بنیادگرایی چون القاعده مطرح شده است، جهان فقط به مومنان و بندگان صالح خداوند تعلق دارد، و زمین را باید از وجود کافران و پاک نمود.

با توجه به مطالب بالا می‌توان شاخص‌های تروریسم مذهبی را از این قرار دانست: عملیات خشونت بار، جزم اندیشی مذهبی، برتری اهداف ایدئولوژیکی بر اهداف سیاسی، توجیه اعمال خود با نگاه به مذهب، تقسیم جهان به دو بخش خیر و شر، داشتن حالتی تهاجمی و افراطی در راستای احیای سنت‌ها. بدین جهت تروریسم مذهبی به عنوان عاملی در جهت ترس و وحشت و ربودن امنیت جهانی مطرح شد.

۴-۲. بنیادگرایی اسلامی رادیکال

گروه‌های اسلامی در سال ۱۹۹۳، دست به یک بمب‌گذاری در شهر نیویورک زدند که طی این حادثه ۷ نفر کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. در سال ۱۹۹۵ نیز طی یک عملیات تروریستی در انفجار بازداشت‌گاه‌های آمریکا در عربستان سعودی توسط اسلام‌گرایان



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۲۴

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

رادیکال ۱۹ آمریکایی کشته و ۵۰۰ نفر را زخمی کردند. در سال ۲۰۰۱ تروریست‌های اسلامی با ربودن ۴ هواپیمای ایالات متحده حادثه ۱۱ سپتامبر را رقم زدند که در آن بیشتر از ۳۰۰۰ هزار نفر کشته شدند. طی این عملیات‌های تروریستی غرب بر این نکته تأکید نمود که همه مسلمانان تروریست‌های ضد آمریکایی هستند. رسانه‌های آمریکایی مسلمانان را تروریست و اسلام را آموزه‌ای تروریستی معرفی نمودند. در مقابل افراط‌گرایان اسلامی ادعا می‌کنند که گسترش فرهنگ غربی به خاورمیانه منجر به فقر و مشکلات اجتماعی شده است (کرمی زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۲) و براین باورند که مسلمانان باید غربی‌ها را از سرزمین اسلامی اخراج، سیاست‌های غربی را رد و با بازگشت به آداب و رسوم سنت اسلامی خود را از انحراف نجات دهند (Enotes, 2012). با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تروریسم بعد جهانی به خود گرفت و دغدغه‌ای همه جانبه تبدیل شد. این حادثه توسط سازمان القاعده صورت پذیرفت. القاعده گروهی با مش بنیادگرایی اسلامی رادیکال بود. رهبران القاعده با توسل به آموزه‌هایی از اسلام اعمال تروریستی خود را توجیه نمودند. ریشه‌های فکری بنیادگرایی اسلامی رادیکال به آراء افرادی نظیر ابن تیمیه، ابن حزم، ابن عبدالوهاب، مودودی، رشیدرضا و سید قطب باز می‌گردد (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۸۹-۸۷). این عده با قرائت خاص خود از اسلام و جامعه اسلامی، خواهان بازگشت به سنت نبوی و برپایی خلافت اسلامی و نابودی همه کفارند. برداشت‌های رادیکال ایشان از مفاهیمی نظیر جهاد، دارالاسلام و دارالحرب، مشروعیت لازم را برای اعمال تروریستی فراهم می‌آورد. بر این اساس لازم است تا نگاهی هرچند کوتاه به مفهوم بنیادگرایی اسلامی رادیکال و مبانی فکری آن انداخته شود.

بنیادگرایی، گرفته شده از «فان‌دیمنتالیسم»^۱ به معانی شالوده، اساس و پایه است. بنیادگرایی، اصطلاحی قدیمی است که در گذشته در مورد متعصبین مذهبی به کار می‌رفت (طلوعی، ۱۳۷۲: ۲۸۵). بنیادگرایی یک ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر سیاسی کردن دین با هدف استقرار بخشیدن حاکمیت خداوند در زمین است (لیپست، ۱۳۸۳: ۴۱). بر اساس نظریات بنیادگرا جامعه باید اصالت ریشه‌های مقدسش را احیاء و حفظ نماید. هر ایر دکمجیان ظهور بنیادگرایی اسلامی را معلول، بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی و ظهور جنبش‌های مذهبی انقلابی که برای از بین بردن نظم موجود و ایجاد جامعه‌ای نوین بر پایه ایدئولوژی اسلام ایجاد شده‌اند،

می‌داند (دکم‌جیان، ۱۳۷۷: ۵۷). بنیادگرایی اسلامی جنبشی است که به ارزش‌های بنیادین اسلامی باور دارد و پیروزی و بهروزی کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌ها می‌داند. از دیدگاه شیرین هانتز، بنیادگرایی اسلامی نماد واقعی یک حرکت بنیادگراست. اما آنچه که بنیادگرایی اسلامی را از دیگر حرکت‌های بنیادگرا متمایز می‌سازد و باعث تهدید آمیز بودن آن می‌شود، برداشت یکسره سیاسی و ایدئولوژیک آن از اسلام است (اسدی و غلامی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۱). گروه‌های بنیادگرای اسلامی با ایجاد سه مفهوم کافر، جهاد و شهادت دست به عملیات‌های تروریستی می‌زنند و با تفاسیر خود آن را عملیات استشهادی می‌نامند، به عنوان مثال ابوبکر باسیر^۱، به عنوان امیر جماعت اسلامی در اندونزی (یکی از مراکز فعالیت القاعده)، از مهم‌ترین افراد متعصبی است که در خصوص مفهوم کافر نظراتی دارد. وی مسئول مرگ حداقل ۲۰۲ نفر می‌باشد که بسیاری از آن‌ها در بمب‌گذاری‌های اکتبر ۲۰۰۲ کشته شدند. او می‌گوید: دو نوع کافر وجود دارد: نوع اول دشمنانی هستند که در تقابل با اسلام قرار می‌گیرند و با آن اعلام جهاد می‌کنند، این‌ها کافر حربی هستند؛ نوع دوم کافر ذمی است که مردمانی را شامل می‌شود که هر چند اسلام را قبول ندارند اما علیه آن هم وارد جنگ نمی‌شوند و اینان تا زمانی که وارد جنگ نشوند، ما با آن‌ها نمی‌جنگیم (آرگو، ۱۳۸۵: ۲۷).

بدون تردید مهمترین نظریه پرداز بنیادگرایی اسلامی در دوران معاصر سید قطب بود. اسپوزیتو با معرفی سید قطب به عنوان معمار اسلام رادیکال وی را پدر جنبش‌های افراطی مسلمانان در سراسر جهان می‌داند به نحوی که سید قطب تأثیر مستقیمی بر نظامی‌گری‌ها، اعمال تروریستی سازمان‌های اسلامی نظیر القاعده داشت (Esposito, 1992: 126). سید قطب از متفکرانی نظیر ابن تیمیه، حسن البنا (مؤسس اخوان المسلمین مصر) و ابوالاعلی مودودی (بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان) تأثیر پذیرفته بود. وی به مانند ابن تیمیه جوامع را به دسته خوب و بد تقسیم نمود که در تقسیم بندی او حد میانه‌ای وجود نداشت (Shay & Schweitzer, 2003: 16). سید قطب با تأثیر از ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب جوامع را به دو دسته جاهلی و اسلامی تقسیم نمود. ابن تیمیه مسلمانان معاصر خود را جاهلی خواند و ابن عبدالوهاب وضعیت مسلمانان حتی آنان که در عربستان هستند را نیز همانند وضعیت دوره جاهلی قبل از اسلام می‌دانست. محمد عبده و رشید رضا نیز ویژگی‌های جوامع خود

1. Abubakr Baasyir

را با عصر جاهلی مقایسه و چنین نتیجه می‌گیرند که بعضی از جوامع اسلامی حاضر از نظر اخلاقی و مذهبی بیشتر از مردمان دوره جاهلیت فاسدترند (Shepard, 2003:522-523). همچنین سید قطب به تبعیت از البنا و مودودی، غرب را به عنوان دشمن تاریخی اسلام و مسلمانان و تحت عناوینی نظیر صلیبیون و استعمارگر می‌دانست (Binder, 1988: 179). فرض نظام فلسفی سید قطب تضاد کیفی میان فرهنگ غرب و دین اسلام است. بر این اساس بنیاد گرایی اسلامی با روشنگری، سکولاریسم، دموکراسی، ناسیونالیسم، مارکسیسم و سنت-گرایی مخالف است (Choueiri, 1988). سید قطب تفسیر تازه‌ای از دارالسلام و دارالحرب ارائه داد که طی آن دارالسلام تنها سرزمینی است که دولت اسلامی در آن استقرار یافته و شریعت اسلامی حاکم است و بقیه جهان دارالحرب است. مسلمانان نیز به دو طریق می‌توانند با دارالحرب رابطه داشته باشند یا معاهده صلح برقرار کنند و یا این که بجنگند (مهدی بخشی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). از نظر سید قطب هدف اسلام نابودی همه جوامع جاهلی است. مردمی که در سایه نظام اسلامی زندگی می‌کنند و برنامه اسلامی را بدون کم و کاست به کار می‌بندند مسلمانند و دیگران پیرو هر مکتبی، جاهلند که باید نابود شوند (سید قطب، ۱۳۶۹: ۲۵). جهاد مفهومی است که مودودی و قطب در مبارزه با جامعه جاهلی به کار گرفته‌اند. از نظر اینان جهاد، دفاعی نمی‌باشد. در دیدگاه اینان جهاد مبارزه‌ای علیه جاهلیت است و تازمانی که همه دولت‌ها در جاهلیت به سر می‌روند و حاکمیت غیر اسلامی را پذیرفته‌اند جهاد ادامه خواهد داشت (Binder, 1988: 181). سید قطب بر گروه‌های اسلام‌گرای تندرو اثر شگرفی گذاشت. از جمله گروه تکفیر و الهجره که وزیر کشاورزی مصر را در سال ۱۹۷۷ ترور کردند. شکری مصطفی رئیس این گروه یکی از رهبران فکری خود را سید قطب معرفی نمود. گروه جهاد اسلامی مصر نیز که در سال ۱۹۸۱ انور سادات را ترور کرد نیز از آرای سید قطب تأثیر پذیرفت. سید قطب تأثیر عمیقی بر سازمان القاعده گذاشت. اسامه بن لادن رهبر این سازمان تحت نظر محمد قطب، برادر سید قطب و دوست صمیمی وی بود. ایمن الظواهری نیز به عنوان دومین رهبر القاعده، و رهبر فکری این گروه به شدت تحت تأثیر آراء سید قطب بود (مهدی بخشی، ۱۳۸۵: ۱۸۵-۱۸۴).

نام القاعده از عنوان پادگان نظامی این گروه قاعده الجهاد (پایگاه نبرد قدس) گرفته شده است و بیشتر اعضا، ابتدا آن را جبهه بین‌المللی جهاد علیه یهودیان و صلیبیان می‌نامیدند. این



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

سازمان متشکل از مجاهدان عرب-افغانی پیشین و سازمان الجهاد به رهبری ایمن الظواهری بود. در تشکیل القاعده دولت‌های متعددی مانند عربستان، پاکستان و ایالات متحده همکاری مؤثری داشته‌اند که بدون این همکاری امکان تأسیس چنین تشکیلاتی وجود نداشت. این سازمان در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان دفتر [مکتب الخدمه] و با هدف آموزش، پشتیبانی و تجهیز مجاهدین عرب برای جنگ با شوروی سابق آغاز به کار کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۶۹-۵۳). القاعده در ۱۹۸۸ به طور رسمی به وسیله‌ی اسامه بن لادن در شهر پیشاور پاکستان پایه گذاری شد. بن لادن و جریان فکری القاعده، امتداد جریان بنیادگرایی الجهاد است که ریشه‌هایش به ابن تیمیه، ابن حزم، مودودی و سید قطب می‌رسد (ناجی راد، ۱۳۸۷: ۳۶۹-۳۶۶). این سازمان در راستای کاهش دخالت‌های غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و با هدف برقراری نظام اسلامی در سراسر جهان ایجاد شد و در سال ۱۹۹۵ در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت (اسپوزیتو، ۱۳۸۴: ۴۱). هدف بن لادن از ایجاد سازمان القاعده احیای خلافت پان اسلامی در سراسر جهان از طریق سرنگونی رژیم‌های غیر اسلامی و اخراج غربی‌ها و غیر مسلمانان از کشورهای مسلمان بود (Schwandt, 2001). ایدئولوژی سیاسی القاعده را می‌توان به عنوان یک طرح برای پاکسازی جهان اسلام، به ویژه خاورمیانه از نفوذ غرب در در سراسر منطقه دانست. این ایدئولوژی ترکیبی از عناصر ضد استعماری و رویای بازگشت به خلافت است (Bergen, 2005: 4).

القاعده مهمترین اصلی که برای توجیه اقدامات تروریستی خود مطرح می‌کند را جهاد می‌داند (نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۸۵). در این راستا غرب جهاد در اسلام را عامل تقویت، تروریسم قلمداد نمود. رهبران القاعده اعتقاد دارند که جهاد رکن ششم دین می‌باشد و هیچ کافری حق زندگی ندارد. در این بین مسلمانانی که با آمریکا و اسرائیل همکاری می‌کنند نیز جزء کافران شمرده می‌شوند (زرقاوی، ۱۳۸۵). پیروان بن لادن در نظر خود، خود را یک جزیره‌ای از مؤمنان واقعی تصور می‌کنند که در دریایی از شرارت احاطه شده‌اند و فکر می‌کردند که آینده دین خود و جهان بستگی به نبرد آنان دارد (Scott Doran, 2001: 35). در فوریه ۱۹۹۸ بن لادن علیه یهودیان و صلیبیون اعلام جهاد کرد و گفت: کشتن اتباع آمریکا و متحدان آن در هر کجای دنیا وظیفه همه مسلمانان است (یزدان فام، ۱۳۸۴: ۱۱). ایمن الظواهری به عنوان نظریه پرداز القاعده اهداف جنبش بنیادگرای اسلامی را چنین بیان می‌کند:

ابتدا رسیدن به یک همبستگی، سپس جنگ با رژیم‌های فعلی جهان اسلام و سپس تأسیس یک حکومت اسلامی ناب. از نظر ظواهری جهاد جنگی انقلابی و جهانی است که بایستی از طریق خشونت، اقدام سیاسی و تبلیغات علیه رژیم‌های سکولار و نخبگان سکولار جهان اسلام صورت گیرد (نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۷۰). سازمان القاعده معتقد است که باید این واقعیت را پذیرفت که القاعده و وابستگان آن، از کشته شدن هزاران نفر از مسلمانان برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کنند و به عنوان مثال، پس از حمله به سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا، بیشتر از دویست نفر از کشته شده‌گان مسلمان بوده و تنها دوازده نفر آمریکایی قربانی این حملات بوده‌اند. به این ترتیب القاعده معتقد است که کشتار غیر نظامیان و برادران مسلمان نباید آنان را در موضعی دفاعی قرار دهد (Bergen, 2005: 11-12).

رهبران القاعده برای توجیه کشته شدن انسان‌های معمولی و غیر نظامی طی عملیات‌های تروریستی خود از مفهوم فقهی - سلفی ترس (سپر قرار گرفتن) بهره برده‌اند. براساس این باب فقهی قتل مسلمانان در اماکن مورد هدف جایز است و اجر کشته شده‌گان هم با خداست (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۰۲-۱۰۱). سلیمان ابوغیث یکی از مهمترین اعضای سازمان القاعده در مورد کشتن آمریکایی‌ها بیان می‌کند: ما به برابری با آن‌ها دست نیافته‌ایم. ما حق داریم چهار میلیون آمریکایی - که دو میلیون آن شامل کودکان باشد - را بکشیم و بیش از دو برابر آن را زخمی و صدها هزار نفر را معلول کنیم. و همچنین حق ماست که با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی با آن‌ها بجنگیم تا آن‌ها را به ناخوشی‌های مهلک مبتلا سازیم (برگن، ۱۳۹۰: ۴۲۸). از نظر سازمان القاعده، کشتن آمریکایی‌ها و متحدان نظامی و غیر نظامی آن وظیفه‌ی فردی هر مسلمانی است که می‌توانید آن را انجام دهد (Keeney, 2009: 7). محمد المقدسی استاد زرقاوی (یکی از اعضای القاعده) از شاگردش انتقاد و او را به اعتدال فرا می‌خواند. المقدسی حملات انتحاری، سر بردن گروگان‌ها، حمله به زنان و کودکان و به قتل رساندن شیعیان را رفتاری اشتباهی می‌دانند که چهره واقعی جهاد را مخدوش می‌سازد (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۰). یکی دیگر از ویژگی‌های مهم القاعده که با تروریسم مذهبی منطبق است به کارگیری خشونت و ایجاد وحشت فراگیر است. خشونت یکی از ابزار مهم تروریست‌های مذهبی برای پیشبرد اهداف خود می‌باشد. یکی دیگر از اصول القاعده، تقسیم جهان به دو بخش مومنان و کافران است. در این ایدئولوژی، باید مومنان علیه کفار همیشه در حال مبارزه



باشند. از نظر اینان چون حاکمان امروزه جوامع اسلامی نمی‌توانند به طور کامل شریعت اسلامی را جاری کنند، پس مرتد هستند و باید علیه آنان نیز مبارزه کرد، تا در نهایت کفار نابود و مومنان حکومت ناب اسلامی را تشکیل دهند (طارمی، ۱۳۸۷: ۸۵). در آغاز دهه نود، اعضای القاعده تلاش کردند مواد هسته‌ای تهیه کنند، در آن ایام این گروه در سودان مستقر بود. پس از استقرار دوباره القاعده در افغانستان، بن لادن با دانشمندان ارشد هسته‌ای پاکستان ملاقات کرد و احتمالاً تلاش می‌کرد از اتحاد شوروی سابق مواد هسته‌ای خریداری کند. در همان حال، اعضای القاعده نیز مطالعه درباره سلاح‌های شیمیایی ناخالص را آغاز کردند و کوشیدند درباره سلاح‌های میکروبی اطلاعاتی به دست بیاورند (برگن، ۱۳۹۰: ۴۱۷). پس می‌توان از خشونت، اقدام سیاسی سازمان یافته، تفسیر ظاهری از مفاهیم اسلامی همچون جهاد، احیای دین، مبارزه با کلیه نظام‌های غیراسلامی برای براندازی آن‌ها، به عنوان اصول اساسی سازمان القاعده نام برد. با بررسی اصول و اهداف القاعده که نماد بنیادگرایی اسلامی رادیکال است می‌توان اصول آن را با اصول تروریسم مذهبی تطبیق داد. از جمله اینکه: هر دو از اصول مذهبی برای مشروعیت اقدامات خود استفاده می‌کنند. در هر دو عنصر به کارگیری خشونت برای رسیدن به اهداف سیاسی نمایان است. در هر دو بازگشت به سنت‌ها برای احیای دینی مدنظر است. هر دو با توجه به ایدئولوژی خود جهان را به دو بخش خیر و شر تقسیم می‌کنند، که خود را مظهر خیر می‌دانند و وظیفه خود را مبارزه بی‌امان برای از بین بردن مخالفین دیدگاه خود می‌دانند. و بالاخره هر دو نوعی تفسیر جزم اندیشانه از مذهب را دارند (جعفری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۹). بنیادگرایی اسلامی بر ارزش‌های سنتی اسلام معتقد است و پیروزی کشورهای اسلامی را در بازگشت به آن ارزش‌ها می‌داند. بنیادگرایی اسلامی از سوی غرب برای اشاره به جنبش‌های اسلامی و احیاگری اسلامی به کار رفته است. اهداف بنیادگرایی اسلامی بازگشت به اصول اسلامی، قرآن و سنت نبوی از طریق شعار جهاد می‌باشد. بنیادگران اسلامی مایل به برتری دین بر سیاست از طرق اصول شریعت هستند. بر این اساس می‌توان شاخص‌های بنیادگرایی اسلامی را در قالب: تفسیر ظاهری و قشری از قرآن و سنت، رجوع به سنت، تفسیر ایدئولوژیک از دین، احیای دین نبوی و تقسیم جهان به دو بخش مومنان و کفار بر حسب ایدئولوژی و مبارزه بی‌امان با کفار، بیان کرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۳۰

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

۳. فقه سیاسی شیعه و تروریسم

رابطه بین دین و ترور، از مدت‌ها پیش یک موضوع نگران‌کننده بوده است. در عصر ما نیز روابط بین این دو مجدداً مساله مورد بحث و گفتگو را تشکیل می‌دهد. بعد از واکاوی مفهوم تروریسم و تبیین معنای آن، نوبت به این بحث می‌رسد که آیا در فقه سیاسی شیعه، چنین تعریفی از تروریسم وجود دارد یا خیر؟ و دیدگاه فقه سیاسی شیعه، در خصوص این مساله جهانی چگونه بوده است؟ بدون تردید، اصطلاح مدرن تروریسم از اصطلاحات جدیدی است که در زمان صدر اسلام، سخنی از آن در میان نبوده است اما تعبیراتی را در آیات و روایات و عبارات فقها می‌توان یافت حاکی از آن که اسلام برای این بخش از زندگی انسان‌ها نیز تدابیری اندیشیده است و عباراتی در متون دینی اسلامی وجود دارد که مفهومی مشابه مفهوم تروریسم دارد. فقه شیعه با تاکید بر اموری چون صلح، امان و برادری نه تنها ترویج دهنده تروریسم نیست بلکه منادی نوع دوستی و آرامش است. در خصوص دیدگاه فقه سیاسی شیعه آیات و روایات گسترده‌ای وجود دارد که حمل بر ادعای فوق می‌باشد. همچنین مراجع شیعی نیز با جهت‌گیری‌های خود بر ضد تروریسم، شیعه را از ترویج آموزه‌های تروریسم مبرا معرفی می‌کنند. فقها در فقه سیاسی شیعه در برابر تروریسم، اصلاحاتی چون: فتک، غیله، ارهاب، غدر و محاربه را به عنوان معادل‌هایی برای تروریسم ذکر می‌کنند. در ذیل به تعاریفی کوتاه از آن‌ها اشاره می‌شود:

فتک: فتک آن است که کسی بر همراه خود وارد شود و در حالی که او غافل است، بطور ناگهانی او را به چنگ اندازد و به قتلش برساند (شبان نیا، ۱۳۸۵: ۳۸). در فرهنگ نوین فتک به حمله برد، یورش برد، به ناحق کشت، خون ناحق ریخت و آدم‌کش ترجمه شده و فتاک به بسیار آدم‌کش ترجمه شده است (انطون، ۱۳۷۰: ذیل کلمه فتک). فتک این است که بر کسی غفلتاً یورش ببرند و او را بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد (مرعشی، ۱۳۸۱: ۲۸). علامه مجلسی در بحار الانوار به نقل از جوهری، فتک را چنین تعریف می‌کند: فتک آن است که شخصی کسی را که نزد اوست و غافل است مورد حمله قرار دهد و به قتل رساند و در حدیث آمده است که ایمان فتک را قید و بند زده است و مؤمن اقدام به فتک نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۹).

غیله: از دیگر اصطلاحات معادل تروریسم در فقه سیاسی شیعه غیله است. غیله عبارت



است از اینکه کسی دیگری را فریب دهد و او را به موضعی رهنمون سازد و هنگامی که او به آن مکان رسید او را به قتل رساند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵۱۲). لغت‌نامه المنجد، غیله را مکر، فریب و نیرنگ، غافلگیر کردن و کشتن، ترور و ترور کردن معنا کرده است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۹۴). غلیه، یعنی فریب دادن کسی و کشاندن او به موضعی برای قتل او. این عمل در اسلام حرام و جرم شمرده شده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۷). غلیه یعنی خدعه و آن قتل کسی است در حالی که آن شخص غافل است. بنابراین، قتل غلیه آن است که کسی دیگری را فریب دهد و در موضعی مخفیانه او را به قتل برساند (شبان نیا، ۱۳۸۵: ۳۹) غلیه به معانی هلاک کردن، به ناگاه کشتن، با خدعه کشتن، در پنهانی کشتن و فریب دادن آمده است (فیض اللهی، ۱۳۸۹: ۳۵).

ارهاب: واژه ارهاب در زبان عربی به معنی خوف، فزع و ترویع است که همان ترس و ایجاد رعب و وحشت بین مردم به جهت وادارکردن آن‌ها به اطاعت و تسلیم است. معادل کلمه ارهاب به زبان انگلیسی همان کلمه ترور^۱، به معنی ترساندن و به وحشت انداختن می‌باشد (مندلاوی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۶). ارهاب در ادبیات عرب به معنای ترساندن و دچار هراس کردن است (معلوف، ۱۹۹۸: ۲۸۲).

محاربه: برخی علما محاربه را هم پایه تروریسم می‌دانند. از جمله صاحب جواهر معتقد است که محارب کسی است که به روی دیگران اسلحه بکشد و آنان را بهراساند. بنا به تعریف وی قصد محارب ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است چه این امر در خشکی باشد یا دریا، روز باشد یا شب (نجفی، ۱۳۶۳: ۵۶۴). بنابراین محاربه نزدیکی خاصی با تروریسم دارد. از جمله عوامل مشترک میان این دو مفهوم ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و توسل به اعمال خشونت آمیز است.

پس از آشنایی با مفاهیمی چون فتک، غیله، ارهاب و محاربه که نزدیکی خاصی با تروریسم دارند لازم است تا دیدگاه فقه سیاسی شیعه را در خصوص تروریسم دریابیم. به این منظور باید به منابع فقه شیعه یعنی قرآن کریم و روایات مراجعه نمود. در کنار این‌ها می‌توان از دیدگاه‌های علمای دینی شیعه در خصوص مساله تروریسم نیز استفاده نمود. در این قسمت با اشاره به مواردی که شیعه ترور را نفی می‌کند مواردی نیز در خصوص صلح طلبی، قاعده



امان و جنگ عادلانه در آموزه‌های شیعی، همچنین دیدگاه فقه شیعه در خصوص جهاد، کفار و نحوه برخورد با آن‌ها را ارائه می‌دهیم.

۱-۳. قرآن:

مهم‌ترین منبع فقه سیاسی شیعه قرآن می‌باشد که با اشاره به مواردی از آن می‌توان دریافت که این کتاب آسمانی اعمال تروریستی را مورد نهی قرار می‌دهد و در عوض آن بر صلح و مودت میان انسان‌ها اشاره می‌کند. قرآن کریم همواره بر صلح تاکید می‌کند: «اگر به صلح مایل باشند، تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن همانا خداوند شنوا و داناست» (انفال/ ۶۱). در فقه سیاسی شیعه کشتن یک انسان بی‌گناه به منزله کشتن همه جامعه بشری قلمداد می‌شود. قرآن کریم تصریح کرده است که: «اگر کسی جان کسی را نجات دهد، مثل این است که جان همه انسان‌ها را نجات داده است و اگر فردی را به قتل برساند مانند این است که تمامی انسان‌ها را کشته است» (مائده/ ۳۲). در قرآن کریم، ترور شخصیت، کشتن افراد بی‌گناه و حذف فیزیکی انسان‌ها و مصادره اموال و حقوق دیگران از گناهان بزرگ شمرده می‌شود. اسلام از سلطه‌گری و استعمار ملت‌ها که یکی از ریشه‌های مهم پرورش تروریسم است با عنوان طاغوت یاد می‌کند و هرگونه همکاری با طاغوت را دشمنی با خداوند و پذیرش ولایت شیطان معرفی می‌کند.^۱ قرآن کریم فرضیه ریختن خون بیگناهان، به خاطر مجازات گنه‌کار را رد می‌کند و بیان می‌کند: «...هرگز بار گناه کسی را دیگری بر دوش نخواهد کشید» (زمر/ ۷). همچنین در جای دیگر قرآن آمده است: «هر که مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او دوزخ جاویدان است» (نساء/ ۹۳). قتل نفس و کشتن بی‌گناهان در اسلام چنان جرم بزرگی محسوب می‌شود که به تعبیر قرآن مانند قتل همه مردم می‌باشد و آیه قرآنی: و کانما قتل الناس جمعاً، بهترین مدرک و روشن‌ترین، شفاف‌ترین و صریح‌ترین دلیل فقهی مسلمانان بر رعایت اصل حرمت و کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر است. تعبیر قرآنی نفس و ناس آمده است و قید مسلمان بودن، مؤمن بودن و نظایر آن‌ها نیامده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۲۴).

۲-۳. روایات

پیامبر(ص) فرموده‌اند: همانا ایمان فتک را در زنجیر می‌کند، از اینرو نباید مؤمن در برابر مؤمن فتک نماید (طارمی، ۱۳۸۷: ۷۹-۷۸). در حدیث دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده

۱. رجوع کنید به؛ سوره بقره: آیات ۲۵۶ و ۲۵۷، سوره نساء: آیات ۵۱، ۶۰ و ۷۶، سوره مائده: آیه ۶۰، سوره نحل: آیه ۳۶ و سوره زمر: آیه ۱۷.



است: «در اسلام فتک جایی ندارد. همانا ایمان فتک را در بند می‌کند» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۲۲۴۹). همچنین پیامبر (ص) در رد ارباب می‌فرمایند: هر کسی مؤمنی را بترساند، خداوند نیز در مقابل بر خود واجب کرده است او را از ترس و وحشت‌های روز قیامت ایمن نسازد (مندلاوی، ۱۳۹۰: ۶۰). ابوسعید و ابوهریره از رسول خدا (ص) نقل می‌کنند: اگر همه اهل آسمان و زمین، به ناحق در ریختن خون یک مؤمن شراکت داشته باشند به یقین خداوند آن‌ها را در آتش جهنم می‌افکند (همان: ۱۲۱-۱۲۰).

در خصوص نفی فتک، کلینی روایت دیگری از گفتگوی ابو صباح با امام صادق (ع) می‌کند. ابوصباح کنانی به امام صادق (ع) می‌گوید: همسایه‌ای دارم که نسبت به امام علی (ع)، ناسزا می‌گوید. اگر اجازه دهید در کمین وی می‌نشینم و او را می‌کشم. حضرت در پاسخ فرمودند: «یا اباصباح، هذا الفتک فقد نهی رسول الله عن الفتک. یا اباصباح، ان الاسلام قید الفتک» یعنی: ای اباصباح این عمل ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند (کلینی، ۱۴۰۷ ه. ق: ۳۷۶). روایت دیگری نیز در خصوص نهی از فتک از مسلم بن عقیل نقل شده است. زمانی که هانی مریض بود، عبیدالله تصمیم به عیادت از وی می‌گیرد. هانی به مسلم عرض نمود که فردا عبیدالله به عیادت می‌آید. من او را سرگرم می‌کنم و هنگامی که آب طلب نمودم بیرون بیا و او را به قتل برسان. هنگامی که عبیدالله به دیدار هانی رفت و مسلم در خانه مخفی شده بود، هانی طلب آب نمود اما مسلم از قتل عبیدالله منصرف شد. زمانی که هانی علت را جویا شد مسلم در پاسخ به روایتی از پیامبر (ص) اشاره نمود که فرموده بودند: «ان الایمان قید الفتک و لا یفتک مؤمن» (ایمان مانع ترور است و مؤمن اقدام به ترور نمی‌کند) (طبرسی، ۱۳۹۰ ه. ق: ۲۲۵). مسلم در مورد عدم ترور ابن زیاد فرمود: «نحن اهل بیت لا تغدر» یعنی: ما که از اهل بیت پیامبر (ص) هستیم، ناجوانمردی و خیانت نمی‌کنیم (مندلاوی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). علاوه بر این موارد در روایات آمده است هر کس اسلحه حمل کند و در جامعه رعب و هراس ایجاد کند محارب است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۳۷۹). از نظر اسلام و پیامبر (ص) اصل بر مهر، عطفوت، مدارا و رحمت است و ایشان تا حد ممکن از خشونت دوری می‌کردند و خشونت را آخرین راهکار و چاره برای مقابله با مفسد و شرور اجتماعی می‌دیدند (نعمتی و روحانی، ۱۳۸۸: ۹۷) حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «...با دشمنان خود جنگ نکنید مگر آن‌ها شروع کنند... افراد در حال فرار از جنگ را نکشید و به زخمی‌ها حمله نکنید



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۳۴

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

و عورت کسی را آشکار نکنید و جسد هیچ کشته‌ای را مثله نکنید و اگر به خانه و کاشانه‌ی آن مردم رسیدید، حفاظ و پرده آنان را مدیریت و زایل نکنید...» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۳-۳. فتاوی‌ای علما و مراجع شیعه

علمای شیعه ترور را نفی می‌کنند. از جمله آیت‌الله علامه نوری اظهار می‌کند: ترور از ظالمانه‌ترین و بیرحمانه‌ترین و گناه‌ترین نوع آدم‌کشی است، قتل و ترور هر دو جنایات فجیعی هستند. اما ترور به مراتب شدیدتر و در سلب امنیت اجتماعی خطرناکتر است (فاضل میبدی، ۱۳۸۱: ۵۴). امام خمینی (ره)، به صراحت، ترور و اقدامات تروریستی را رفتاری غیر انسانی معرفی می‌کنند. از نظر ایشان، ترور، اقدامی غیرانسانی و در عین حال بسیار ناجوانمردانه است. از نظر امام، دست‌زدن به اقدامات تروریستی، نشانه بی‌عقلی و حماقت مرتکبین آنهاست. ایشان معتقدند که ترور، اقدامی احمقانه و ناشی از حماقت و نهایت بی‌عقلی است. از سوی دیگر، ایشان تروریست‌ها را افرادی می‌دانند که از درک مسیر صحیح عاجز گشته‌اند. از نظر ایشان، ترور، مکتبی انحرافی است و توسل به اقدامات تروریستی و ترورگری را از جمله ویژگی‌های منحرفین و گمراهان می‌دانند (نعمتی و روجنی، ۱۳۸۸: ۱۸).

آیت‌الله منتظری نیز بیان می‌کند: به طور کلی در اسلام از ترور مخالفین تهی شده است (منتظری، ۱۳۷۷: ۳۴۳). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در خصوص ترور می‌گوید: هر کس مؤمنی را به قتل برساند حکمش قصاص است و اگر او مرتکب خطایی شده باشد باید بوسیله حاکم شرع حکم الهی در مورد وی اجرا گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ه.ق: ۳۷۴). آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، در پیامی به اولین اجلاس بین‌المللی مبارزه جهانی با تروریسم، چنین بیان نمودند که: ما با تکیه بر تعالیم اسلام که کرامت انسانی یکی از سرلوحه‌های آن است و کشتن یک انسان بی‌گناه در آن به مثابه قتل همه‌ی انسان‌ها به شمار می‌رود، و به عنوان ملتی که در سه دهه‌ی گذشته متحمل خسارت‌های سنگین از تروریسم خشن شده است، مبارزه با این پدیده‌ی شیطانی را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود می‌دانیم و تلاش در راه این مبارزه‌ی بزرگ را با قدرت ادامه خواهیم داد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). با بررسی مفهوم و معنای جهاد در اسلام و همچنین مطالعه و مشاهده اولویت صلح بر جنگ بدین نتیجه می‌رسیم که جهاد نمی‌تواند توجیهی برای دست‌زدن به ترور باشد. جهاد از نظر اسلام، قبل از هر چیز امری دفاعی است. یعنی دفاع از کیان و ناموس اسلام و مسلمین و مملکت اسلامی در برابر



تجاوزات عملی دشمنان اسلام. جهاد در دیدگاه غریبان به عنوان آموزه‌ای تروریستی سوء تعبیر می‌شد و اقدامات و عقاید القاعده نیز به این نگرش دامن می‌زد. اما با نگاهی به مفهوم جهاد در فقه سیاسی شیعه شاید گره کور مساله باز شود و این برداشت از جهاد اصلاح شود.

جهاد در فقه سیاسی شیعه به دو نوع ابتداعی و دفاعی تقسیم می‌شود. فقه سیاسی شیعه جهاد ابتدایی را مشروط به امر امام معصوم مسبوط الید می‌داند. پس در دوران غیبت جهاد ابتدایی برای مسلمانان امکان پذیر نمی‌باشد. همچنین فقه سیاسی شیعه جهاد دفاعی را با محدودیت‌هایی از جمله: نفی ترور، تحریم و غدر امکان پذیر می‌داند (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

از نظر اصول فقه سیاسی شیعه نیز جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود. اما برخلاف القاعده اولاً کلیه سرزمین‌های اسلامی را جزء دارالاسلام می‌داند و مبارزه علیه هم را ممنوع می‌کند. ثانیاً خود دارالکفر را به دو قسمت کفار ذمی و کفار حربی تقسیم می‌کند. کفار ذمی با پرداخت جزیه از امنیت برخوردار می‌شوند. کفار حربی خود به دو قسم: در حال صلح یا امان و در حال جنگ است. کفار دارالامانی که در حال صلح با مسلمین هستند تجاوز به آن‌ها نهی شده است. در مورد کفار در حال جنگ نیز باید شروط قوانین جنگ در اسلام باید رعایت شود. از جمله: ممنوعیت حمله و تجاوز به زنان، کودکان و سالخورده‌گان که مورد نهی قرار گرفته شده است (طارمی، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: وقتی که رسول خدا لشکری را گسیل می‌کرد، دستور می‌داد که آن‌ها در برابرش بنشینند و به آن‌ها اینگونه سفارش می‌کرد: به نام خدا و به خاطر خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا حرکت کنید، به دشمن شیبخون نزنید و آن‌ها را مثله (قطعه قطعه) نکنید و کید و خدعه نزنید و پیران و کودکان و زنان را نکشید و جز در حال اضطرار درختی را قطع نکنید (حر عاملی، باب ۱۵: حدیث ۲). در اسلام بر امان تاکید شده است. پیامبر اکرم (ص) از کشتن زنان و خردسالان و پیران در جنگ نهی می‌کردند مگر آنکه در کارزار مشارکت داشته باشند (طارمی، باب ۱۸، حدیث ۱). در نگاه اسلام اگر فردی از مسلمین به فرد یا افرادی از کفار امان دهد بر همه مسلمانان واجب است که این امان را به رسمیت بشناسند. امام صادق (ع) در این خصوص بیان می‌کند: اگر سپاهی از مسلمین گروهی از کفار را محاصره نماید و شخصی از مشرکان تقاضای امان نماید و یکی از مسلمانان به آنان امان دهد بر همه آنان حتی بزرگانشان واجب است این امان را رعایت نمایند (حر عاملی، باب ۱۵، حدیث ۱). از در خصوص تاکید اسلام



بر مساله امان دادن روایتی به این مضمون وجود دارد. اسامه بن زید یکی از یاران پیامبر می‌گوید: توسط رسول اکرم (ص) به ماموریتی به حرقه اعزام شدیم، در حرقه من با یکی از انصار شخصی از کفار را در میان گرفتیم. او فوراً گفت لا اله الا الله، انصاری شمشیرش را غلاف نمود اما من او را کشتم وقتی ماجرا را برای پیامبر (ص) بازگو نمودیم فرمودند که ای اسامه او را پس از آنکه لا اله الا الله گفت کشتی؟ گفتم او بدان وسیله می‌خواست پناه بگیرد. اما پیامبر همچنان سخن خود را تکرار کرد آنقدر که من آرزو کردم کاش دیرتر مسلمان شده بودم و دست به چنین کاری نمی‌زدم (شرف الدین عاملی، بی تا، ۳۹).

بنابر مطالب فوق، تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی را حرام شمرده و تمامی مبانی فکری و رفتاری تروریسم در اسلام و فقه سیاسی شیعه رد می‌شود. در فقه سیاسی شیعه استفاده از وسایل نامشروع برای رسیدن به هدف نفی می‌شود. اصالت دادن به منافع شخصی به قیمت قربانی کردن منافع دیگران مذموم و حرام شمرده می‌شود و تجاوز به حق الناس و حقوق مردم در هر شکل و تحت هر عنوانی نابخشودنی است.

۴. فقه سیاسی شیعه و عملیات استشهادی:

فقه سیاسی شیعه با نفی تروریسم در مقابل آراء بنیادگرایان اسلامی رادیکال قرار گرفت. شیعه با اصول و اندیشه‌ها و سنت فکری و عملی خود از تروریسم براثت جست. اما عده‌ای با طرح شبهاتی سعی در تخریب چهره شیعه دارند. اینان با اشاره به عملیات‌های استشهادی و جواز مشروعیت آن توسط فقه شیعه، این عمل را به مثابه تروریسم معرفی و فقه سیاسی شیعه را حامی تروریسم معرفی می‌کنند. سوالی که پیش می‌آید این است که فقه سیاسی شیعه چه دیدگاهی نسبت به عملیات استشهادی دارد؟ به این منظور و برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق باید اشاراتی به عملیات‌های انتحاری نیز نمود. عملیات انتحاری نوعی از تروریسم می‌باشد اما این که تفاوت عملیات استشهادی با عملیات انتحاری چیست، بحثی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

منظور از تروریسم انتحاری اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویش است (Pape, 2003: 345). انتحار در لغت یعنی خودکشی و در اصطلاح شرع عبارت است از اینکه کسی



برای حرص دنیوی و طلب مال و یا در حالت غضب به قصد خودکشی خود را بکشد. به طور کلی اگر انسان برای یک امر دنیوی و با قصد خودکشی بدون اینکه توجیه شعی یا عقلی داشته باشد به انتحار دست زده است (ملاً محمد علی، ۱۳۸۴: ۷۵). عملیات انتحاری از سال ۱۹۷۰ تاکتیکی برجسته در جنبه‌های شورشی محسوب می‌شود. پژوهش‌ها اثبات کرده است، افرادی که دست به عملیات انتحاری می‌زنند نه تنها افراد جانی، بی‌سواد یا فقیر نیستند بلکه عمدتاً از عوام و تحصیل‌کردگان طبقه متوسط‌اند و شگفت این که بسیاری از این افراد، داوطلب هستند. در ۸۱ درصد از عملیات‌های انتحاری که از سال ۱۹۸۶ میلادی به بعد اتفاق افتاده‌اند در ۳۱ مورد از ۳۵ مورد آن‌ها گروه‌های مسلمان جهادی مسئولیت عملیات‌ها را بر عهده گرفته‌اند. در حال حاضر از ۳۵ سازمانی که ترورهای انتحاری انجام می‌دهند ۳۱ مورد اسلامی‌اند (آرگو، ۱۳۸۵: ۲۵). در این خصوص باید به دیدگاه شیعه در خصوص جهاد نگاه کرد. فقهای شیعه همانند اهل سنت، تقسیم‌بندی جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی را قبول کرده‌اند اما به خلاف دیدگاه اهل سنت، جهاد ابتدای را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است که «جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکمان کتم تعلمون» (توبه/۴۱). طبق این آیه همه مردم موظفند با اموال و جان‌هایشان در راه خداوند جهاد کنند که خیر آن‌ها در گرو این عمل است. مسلماً کسانی که در راه خداوند دست به عمل شهات‌طلبانه می‌زنند و هدف آنان ضربه زدن به دشمنان خداوند باشد مجاهدان فی سبیل الله می‌باشند. در آیه ۱۱۱ سوره توبه جهاد به عنوان معامله‌ای میان خداوند و مجاهدان مؤمن تعبیر شده است که در آن مجاهدان جان و مال خود را تقدیم خداوند می‌کنند و در تقابل بهشت جاویدان الهی را دریافت می‌کنند (توبه/۱۱۱). طبق روایتی از امام رضا (ع)، جهاد با امر امام عادل واجب است و کسی که در دفاع از مال و جان خود مبارزه کند و کشته شود شهید است، و قتل احدی از کفار در دارالتقیه حلال نیست مگر آن که یاغی یا قاتل باشد (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). سید علی طباطبایی صاحب ریاض الممالک، در مورد انحصاری بودن جهاد دفاعی توسط امام معصوم، بیان می‌کند که حتی نایب عام امام در دوره غیبت نیز چنین اختیاری از خود ندارد به نظر وی نصوص و ادله متواتر شیعه این دیدگاه را مورد تأیید قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۵: ۴۴۷-۴۴۶). در خصوص جهاد دفاعی دو دیدگاه وجود دارد اینکه مسلمانان مورد هجوم کفار قرار گیرند و این هجوم اساسی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة الدراسات العالمیة الاسلامیة

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۳۸

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

اسلام را تهدید و خطر استیلا بر بلاد اسلامی را در پی داشته باشد. در چنین شرایطی بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد، سالم و بیمار واجب است که بدون نیاز به اذن امام جهاد نمایند. جهاد دفاعی دارای ویژگی‌های خاصی است: اول آن که از لحاظ جغرافیای باید در دارالاسلام و در شرایط حضور مهاجمان در جامعه اسلامی شکل یابد؛ دوم آن که محدود به موقعیتی است که مسلمانان قصد تعطیل اسلام، هویت اسلامی و تعطیل شریعت و شعائر دینی مسلمانان می‌داند (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۵) بنابراین جهاد از نوع دفاعی آن مانعی ندارد و شیعه این اصل را مشروع می‌داند. حال آیا می‌توان عملیات استشهادی را جزئی از جهاد دفاعی قلمداد نمود؟ فقهای شیعه در مقام پاسخ این عمل را از عملیات انتحاری جدا و آن را زیر شاخه‌ی جهاد دانسته‌اند.

از این منظر افرادی که دست به عملیات‌های انتحاری می‌زنند، قصد و انگیزه الهی ندارند و در مقام دفاع از ایمان و اعتقاد دینی نیستند. بلکه این عمل نشانه بی‌ایمانی یا ضعف ایمان است و اقدام به خودکشی جزء گناهان کبیره محسوب می‌شود و دارای عذاب الهی است (دستغیب، ۱۳۶۱: ۱۰۵). آیت الله نوری همدانی عملیات استشهادی را نوعی جهاد می‌داند و معتقد است که جهاد در راه خدا با خودکشی موضوعاً و حکماً متفاوت است (ملاً محمد علی، ۱۳۸۴: ۷۶). علامه سید محمد حسین فضل الله در خصوص تباین عملیات استشهادی با عملیات انتحاری بیان می‌کند که نوع اول جزء امور جهادی است و جهاد در راه خدا مستلزم در خطر قرار گرفتن و کشته شدن است. اگر ولی امر نیاز روز و تحقق اهداف را در گرو عملیات استشهادی ببیند و پیروزی مسلمانان در گرو نابودی متجاوزان باشد می‌تواند دستور به عملیات استشهادی دهد که جزئی از جهاد محسوب می‌شود (فضل الله، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۳). عملیات استشهادی به معنای عام آن به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن به انجام آن مبادرت کند و در این راه کشته شود (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۱۹). آیت الله لنکرانی در خصوص عملیات استشهادی فلسطینیان و دیدگاه فقه شیعه به آن، رأی به جواز این عمل داده و مساله فلسطین را دفاع از خود، حریم، ناموس و کیان اسلام معرفی کرده و این نوع دفاع را به هر نحوی که باشد را جایز معرفی کرده است اما ایشان این نوع عملیات‌هایی که علیه افراد غیر نظامی به کار می‌رود را نفی می‌کنند و آن را جایز نمی‌دانند (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۱۹). امام خمینی (ره) در خصوص تأیید عملیات



استشهادی در قضیه‌ی حسین فهمیده فرمود: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۴۰).

در خصوص اثبات مشروعیت عملیات استشهادی می‌توان به ادله روایی شیعی در این خصوص نیز اشاره نمود. در این روایات علاقه معصومین (ع) به شهادت پذیری نشان داده می‌شود. رسول خدا (ص) عشق و علاقه خود را به شهادت در راه خداوند را چنین بیان می‌کند:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِي لَوَدِدْتُ إِنِّي أَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا فَأَقْتُلُ ثُمَّ أَحْيَا فَأَقْتُلُ» قسم به کسی که جانم به دست اوست، دوست داشتم که در راه خدا کشته شوم، سپس زنده گردم، دوباره کشته شده و بار دیگر زنده شوم و مجدداً کشته شوم (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۲۵). حضرت علی (ع) نیز در خطبه‌ای عشق خود را به نظارت را با تمثیل جالبی بیان می‌کند و علاقه به شهادت در راه خدا را بیش از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادر توصیف می‌کنند «وَاللَّهُ لِأَبْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٍ بِالمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بَدَى أُمِّهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵). همچنین امام حسین (ع) که در فقه شیعه نماد شهادت طلبی است علاقه خود را به شهادت چنین بیان می‌کند: «و ان یکن الابدان للموت انشئت فقتل امریء بالسیف فی الله اجمل» یعنی اگر بدن‌ها برای مرگ آفریده شده، پس کشته شدن انسان با شمشیر در راه خدا، بهتر و زیباتر است (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).



نتیجه گیری

همانگونه که بیان شد، تروریسم مفهومی کلان است و به انواع گوناگونی تقسیم می شود. یکی از شاخه های مهم تروریسم، تروریسم مذهبی می باشد که ویژگی های آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه و توجیه این اعمال با آموزه های دینی می باشد.

بعد از وقوع حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر افکار جهانیان تحت تبلیغات غربی، نگرشی منفی نسبت به اسلام و تعالیم آن پیدا نمود. در پی تبلیغات گسترده غرب آموزه های اسلام و مسائلی چون جهاد که یکی از احکام الهی مسلمانان می باشد به عنوان آموزه های همسان تروریسم تعبیر شد. البته این دیدگاه با افکار و اعمال گروه های بنیادگرای رادیکالی چون القاعده تقویت می شد. القاعده و اندیشه های آن حاصل تندروی های عده ای بود که با سوء تعبیر از آموزه های اسلام و مفاهیمی چون جهاد به اقدامات تروریستی دست می زدند و اعمال خود را با توجه به تفسیر به رأی از آموزه های اسلامی توجیه می کردند.

اما اسلام به طور کلی و فقه سیاسی شیعه به طور خاص با اعمال تروریستی به مخالفت می پردازد. در فقه سیاسی شیعه برای تروریسم از معادل هایی چون فتک، غیله، ارهاب و محاربه استفاده شده است. با نگاهی به آموزه های فقه سیاسی شیعه قرآن، سنت و آراء علمای شیعه در مورد تروریسم می توان چنین نتیجه گرفت که آموزه های فقه شیعه نه تنها ترور و اعمال تروریستی را مورد نهی قرار می هند بلکه بر صلح و مودت تاکید دارند. حاصل آنکه دین مبین اسلام دارای آموزه هایی است که نه تنها حرکت های تروریستی را غیر مشروع می داند بلکه با توجه به احکام متعالی این دین می تواند منشأ ایجاد قوانینی در نظام روابط بین الملل باشد که ریشه تروریسم را در جهان می خشکاند. همچنین فقه سیاسی شیعه نه تنها عملیات استشهادی را در قلمرو عملیات انتحاری و تروریسم نمی داند بلکه با ارائه دیدگاه هایی این امر را تأیید و مشروع اعلام می نماید. از این رو می توان تصریح نمود که:

۱. یکسان بینی عملیات تروریستی (با هدف دهشت آفرینی)، خودکشی (با هدف رهایی شخصانی) و عملیات استشهادی در حوزه های جواز و اسباب تفاوت های کیفی وجود دارد؛
۲. در فقه سیاسی شیعه، عملیات استشهادی، جواز صرفاً دفاعی دارد که حکم آن از سوی فقیه مبسوط الید و به صورت استثنایی و در شرایط صرفاً دفاعی بین صادر می شود؛
۳. در فقه سیاسی شیعه به تبع مفاهیم عالیله اسلام، اقدام برای کشتن خود و قتل نفس،



حرام است. کشتن دیگران هم حد شرعی دارد.
در این چارچوب است که فقه سیاسی شیعه و شیعیان در مورد حرکت‌های انتحاری علیه اموال و جان دیگران موضعی امتناعی دارد و الصاق صفت تروریسم برای حرکت‌های اسلامی در فقه سیاسی شیعی، نوعی بی‌دقتی علمی و عمدتاً برخاسته از تخریب وجهه مسلمانان، بویژه شیعیان، است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۲

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*، جلد ۱۱، قم: ادب الحوزه.
- آدمی، علی و مرادی، عبدالله (۱۳۹۴). «چیستی افراط گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش هنجاری»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۶)، پاییز، صص ۶۱-۲۹.
- آرگو، نیکول (۱۳۸۵). «بمب‌های انسانی، نگاهی دوباره به رابطه مذهب و ترور»، ترجمه احمد ذوعلم، *دوماهنامه هابیل*، صص ۲۹-۲۴.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۴). *جنگ نامقدس، ترور به نام اسلام*، ترجمه ماری هجران، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی- بین المللی.
- اسدی، علی و غلامی، طهمورث (۱۳۹۰). «واکاوی بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۳، صص ۵۹-۴۰.
- اسماعیلی، حمید رضا (۱۳۸۶). *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- امین زاده، الهام (۱۳۸۰). «تفاوت تروریسم و دست یابی به حق تعیین سرنوشت»، *فصلنامه راهبرد*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۱، صص ۹۷-۸۳.
- انطون، الیاس (۱۳۷۰). *فرهنگ نوین*، ترجمه مصطفی طباطبایی، تهران: بی‌نا.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۴۱۰ ه.ق). *المعجم الوسیط*، جلد دوم، بیروت: دارالامواج.
- برگن، پیترو آل (۱۳۹۰). *اسامه بن لادن*، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران: انتشارات اطلاعات.
- جعفری، حسن و بهرامی خوشکار، محمد (۱۳۹۳). «جریان شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۲)، پاییز، صص ۶۱-۲۷.
- حر عاملی، محمد حسین (بی تا). *کتاب الجهاد*، جلد ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۱۵، حدیث ۲، بی جا.
- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۷). «تروریسم بین المللی از دیدگاه اسلام»، *ماهنامه معرفت*، ش ۱۲۵، صص ۳۲-۱۵.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). *مبارزه با پدیده شیطانی تروریسم را تکلیفی تخلف‌ناپذیر برای خود می‌دانیم*، برگرفته از سایت: <http://www.khabaronline.ir/news-159280.aspx>
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *گناهان کبیره*، جلد اول، قم: کانون اندیشه‌های اسلامی.
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). *جنش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ری شهری، محمد (۱۳۷۵). *میزان الحکمه*، جلد ۳، قم: دارالحدیث.
- زرقاوی، ابو مصعب (۱۳۸۵). «پرنس القاعده»، ترجمه محمد علی فیروز آبادی، *روزنامه شرق*، ۲۳ خردادماه.
- سروش نژاد، احمد (۱۳۸۷). *تروریسم و دفاع مشروع (مجموعه مقالات)*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت ذر اسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

۱۴۳



سید قطب (۱۳۶۹). *آینده و قلمرو اسلام*، ترجمه سید علی حسینی خامنه‌ای، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شبان نیا، قاسم (۱۳۸۵). «تروریسم از دیدگاه اسلام و غرب»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۵، صص ۴۳-۳۲. شرف الدین عاملی، سید عبدالحسین (بی تا). *مباحثی پیرامون وحدت اسلامی*، ترجمه سید ابراهیم علوی، تهران: نشر مطهر.

طارمی، محمد حسین (۱۳۸۷). «بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، صص ۱۱۰-۷۳.

طاهری سید مهدی و احمدوند، شجاع (۱۳۹۴). «وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۱۷)، زمستان، صص ۱۱۳-۸۷.

طباطبایی، سید علی (۱۴۱۵ ه.ق). *ریاض الممالک*، جلد ۷، قم: موسسه انتشاراتی اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۹۰ ه.ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: دارالکتاب الاسلامیه.

طلوعی، محمود (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: سخن.

طیب، علیرضا (۱۳۸۰). «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۱، صص ۶۷-۵۳.

عبدالهی، محسن (۱۳۸۸). *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

فاضل میبدی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۱). *تساهل و تسامح*، جلد دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی آفرینه.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۸۰). *فقه زندگی*، ترجمه مجید مرادی، قم: دارالملاک.

فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۷۷). *سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فیرحی، داوود (۱۳۸۳). «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه»، *شیعه شناسی*، شماره ۶، صص ۱۲۶-۱۰۹.

فیض الهی، روح الله (۱۳۹۰). *نقد و بررسی ترور در قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

کرم زادی، مسلم (۱۳۹۵). «سلفی‌گرایی جهادی- تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۸)، بهار، صص ۱۱۳-۱۴۲.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). *دایرة المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نور الله مرادی، ج ۱، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار*، الجلد ۲۸، بی جا: دارالحیاء التراث العربی.

مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۸۱). *مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام*، تهران: نشر مؤلف.

معلوف، لوئیس (۱۴۰۷ ه.ق). *المنجد فی اللغة او الاعلام*، بیروت: دارالمشرق.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ه.ق). *استفتاءات جدید*، جلد اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
ملاً محمد علی، امیر (۱۳۸۴). «ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقه امامیه»، *مربیان*، شماره ۱۸،
صص ۷۳-۹۵.

منتظری، حسینعلی (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*، چاپ شانزدهم، تهران: نشر تفکر.
مندلاوی، محمد محمود (۱۳۹۰). *پدیده تروریسم در امتداد تاریخ*، ترجمه محمد رضا میرزا جان (ابو امید)،
تهران: نشر قدر ولایت.

مهدی بخشی، شیخ احمد (۱۳۸۵). «سید قطب و اسلام گرایی معاصر»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۳،
صص ۱۹۰-۱۷۱.

مهدی بخشی، شیخ احمد (۱۳۸۷). «القاعده و تروریسم مذهبی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، صص
۱۹۳-۲۱۶.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی*، جلد هشتم، تهران:
پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

ناجی راد، محمد علی (۱۳۸۵). *جهانی شدن تروریسم*، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و
بین المللی.

نبوی، سید عبدالامیر؛ مرادی، فاتح و شیخ الاسلامی (۱۳۹۴). «بررسی شاخصه‌های هویت روانی با تکیه بر
بنیادگرایی مذهبی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۶)، پاییز،
صص ۱-۲۹.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*، جلد چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نعمتی وروجنی، یعقوب (۱۳۸۸). *تروراز دیدگاه اسلام و امام خمینی (ره)*، تهران: امیرکبیر.
هادویان، غلامحسین (۱۳۸۲). «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، *فصلنامه مصباح*،
دانشکده و پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۴۵، صص ۲۷-۴۸.
هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۳۸۱). *تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل*،
تهران: روزنامه رسمی.

ورعی، سید جواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه»، *حکومت اسلامی*، شماره ۲۷، صص ۳۱۲-۳۴۷.

Bergen Peter (2005), *A Discussion of Some of the Underlying Causes of Al Qaeda Terrorism*, Washington, DC.

Binder, Leonard (1988), *Islamic Liberalism: A Critique of Development Ideologies*, The University of Chicago Press.

Choueiri Youssef (1988), *Islamic Fundamentalism* avalabelat:<http://www.muslimphilosophy.com/ip/rep/H..7>.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های پایه جهان اسلام
جمعیت پژوهش‌های اسلامی

۱۴۵

تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و ...

- Esposito, John (1992), *The Islamic Threat: Myth or Reality*, New York, Oxford University Press.
- Keeney, Gregory L., (2009), *Center for Risk and Economic Analysis of Terrorism Events*, University of Southern California.
- Morris, Michael F., (2005), *AL-QAEDA AS INSURGENCY*, U.S. Army War College, Carlisle Barracks, Carlisle.
- Pape, Robert A., (2003), "The Strategic Logic of Suicide Terrorism" in *American Political Science Review*, Vol 97, pp 343-367.
- Plane, Jack C, (1988), *The International Relation Dictionary*, USA: Longman.
- Rene Beres, Louis, (1971), "Assassination of Terrorists May Be Law-Enforcing: A Brief according to International Law", available at: http://www.freeman.org/m_online/nov97/beres2.htm.
- Schwandt, David (2001), *Al-Qaida in Action and Learning: A Systems Approach* Chuck Lutes, The George Washington University, available at: http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/readings/al_qaida2.htm
- Schweitzer, Yoram and Shaul Shay, (2003), *The Globalization of Terror: The challenge of Al-Qaeda and the Response of the International Community*, New Brunswick (USA) and London: Transaction Publishers.
- Scott Doran, Michael (2001), 'Somebody Else's Civil War: Ideology, Rage, and the Assault on America', in James F. Hoge and Gideon Rose (ed.), *How Did this Happen?: Terrorism and the New War*, New York, New York: Public Affairs.
- Shepard Wiliam (2003), "Sayyid Qutbs Doctrine of Jahiliyya", *International Journal of Middle East Studies*, New York University.
- Sparago, Marta, (2007), *Terrorist Recruitment The Crucial Case of Al Qaeda's Global Jihad Terror Network*, New York University.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۴۶

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۵

به این مقاله این گونه استناد کنید:

مطلبی، مسعود؛ آرایش، حسن؛ رحیمی عماد، سیدرضا (۱۳۹۵)، «تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی رادیکال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادی» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س. ۶، ش. ۴، زمستان ۹۵، صص ۱۴۶-۱۱۹